

پای درس لقمان

● دکتر عبدالعظیم کریمی

کلیدواژه‌ها: شرک، لقمان حکیم، توحید



و آموزه‌ها و اقدامات، هر چند نیک و ارزنده باشند، رنگ شرک به خود می‌گیرند.

باورمندی قلبی به یگانگی خداوند در دوران کودکی، یعنی از همان آغاز عینک دویینی را برداشتن و عینک یگانه‌بینی را به چشم زدن! و این سنگ بنای تعلیم و تربیت توحیدی و مقدمه دست‌یابی به رستگاری و نیک‌بختی است، زیرا آن کس که به یگانگی خداوند ایمان قلبی دارد و ذهن و دل خود را از شرک پاک کرده است، از دام تفرق و کثرت و غصه و رنج و اضطراب آزاد می‌شود و همه جهان را خرم از او می‌داند.

ریشه همه انحراف‌های اخلاقی و اجتماعی و اختلالات روانی - عاطفی و انسدادهای فکری و ذهنی فقط و فقط در همین شرک‌ورزی است که نگاه آدمی را از واقع‌بینی و حقیقت‌جویی منحرف می‌کند. آنگاه پیامدهای منفی آن در ابعاد زیستی، روانی، اجتماعی و اخلاقی ظاهر می‌شوند.

به همین منظور، لقمان حکیم در نخستین گام تربیت فرزند، به این محور توحیدی که سنگ بنای سایر ابعاد تربیتی است اشاره می‌کند و او را از رنج و ظلم دوگانه‌بینی به جهان هستی برحذر می‌دارد.

در روایت‌های متعدد از زبان ائمه اطهار (ع) آمده است که نخستین آموزش امامان (ع) به فرزندان خود در همان سال‌های نخست زندگی «لااله الا الله» بوده است! چرا؟ راز القا و الهام این شعار در اوایل زندگی کودک چیست؟

رمز‌گشایی از این آموزه توحیدی زمانی آشکار می‌شود که به فلسفه شعار توحیدی لااله الا الله پی ببریم و بدانیم که «پرساژه» زندگی سعادت‌مندان رهایی و آزادی از بت‌های ذهنی است. اما شعار توحید زمانی ما را به فلاح و رستگاری می‌رساند که یگانگی خدا را نه به ذکر تقلیدی و لفظی، بلکه به ذکر قلبی و تحقیقی بیان کنیم: و قال النبی (ص): «قولوا لااله الا الله تفلحوا!» بگوئید نیست خدایی جز خدای یگانه، تا رستگار شوید.

بدان که «ذکر تقلیدی» دیگر است و «ذکر تحقیقی» دیگر. آنچه از راه افواه (دهان‌ها) به صورت سمع در آید، آن ذکر تقلیدی باشد. چندان کارگر نباید؛ همچنان که تخم ناپورده نارسیده که در زمین اندازه‌اند، نروید. و ذکر تحقیقی آن است که به تصرف تلقین صاحب‌ولایت در زمین مستعد دل مرید افتد (رازی، ۱۳۵: ۱۳۹۲).

يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ (لقمان/۱۳)

با نگاهی به آیات ۱۲ تا ۱۹ سوره لقمان می‌توان درخشان‌ترین و مؤثرترین راهبردهای تربیتی را از زبان لقمان حکیم به فرزندش استخراج کرد و به کار بست. این راهبردها می‌توانند الگویی مطمئن برای اولیا و مربیان در تعلیم و تربیت فرزندان باشند.

در سوره لقمان از آیه ۱۳ به بعد حدود ده محور در باب تربیت فرزند بیان شده‌اند. نخستین محور که زیر بنای همه ابعاد وجود انسان در تربیت تلقی می‌شود، تربیت توحیدی را شکل می‌دهد که به تحول بنیادین در سامانه باورمندی و ایمانی متربی و تأکید بر نگاه موحدانه به جهان هستی ناظر است. آنجا که می‌فرماید: «یادکن زمانی را که لقمان در مقام موعظه به فرزندش گفت: پسرم، هرگز به خداوند شرک نیاور که شرک ظلمی بسیار بزرگ‌تر است» (لقمان/۱۳).

سؤال این است که برای کودکی با سن و سال اندک که از نظر قوای ادراکی احتمالاً قادر به امور انتزاعی نیست، چگونه می‌توان نگاه موحدانه و عدم شرک‌ورزی به خدای یگانه را توصیه و ترویج کرد؟ به‌راستی نقش این موعظه سنگین و تحمل‌ناپذیر چه تأثیری در تربیت کودک دارد؟! و سؤال بعدی اینکه چرا نخستین موعظه برای تربیت از نظر لقمان حکیم دوری جستن از شرک به خداوند است؟ مراد لقمان از این آموزه به‌ظاهر بسیار انتزاعی و ذهنی چیست؟ آیا مقصود آن است که فرزند لقمان صرفاً از نظر ذهنی و اقرار لفظی به خداوند شرک نوزد و یکتایی خدا را با اقرار زبانی و گزاره ذهنی یادآور شود، بی‌آنکه در نگاه و نگرش او به جهان هستی تغییر ایجاد شود؟ و یا از همان آغاز نگاه و بینش او را نسبت به یگانگی خداوند به‌گونه‌ای بار می‌آورد که نه در لفظ و مفهوم، بلکه از نظر قلبی و معنایی آن را شهود کند تا از پیامدهای آسیب‌زای شرک‌ورزی به خدا در امان باقی بماند؟

کارکرد یگانه‌دانی و یگانه‌بینی که حاصل شرک نوزیدن به خداوند است چیست؟ و چرا نخستین اصل در تربیت باید بر محور توحید و یگانه‌پرستی بنا شود؟

حکمت این موعظه موحدانه در این است که اگر زیربنای فکری و زیرساخت انگاره و نگرش آدمی به جهان هستی، از همان آغاز بر محور توحید و یگانه‌بینی نباشد، سایر موعظه‌ها

منبع

رازی، نجم‌الدین (۱۳۹۲).
گزیده مرصادالعباد. علمی،
تهران.